

Foundations of Open Source Legal Approach in International Human Rights Instruments and Assessment of Their Reliability in Imamiyah Jurisprudence and Law of Iranian

Seyyed Hasan Shobeyri Zanjani¹
Ja'far Nezamolmolki²

Received: 15/05/2017; Accepted: 17/12/2017

Abstract

Open source legal approach means to provide access to formula of innovation production, innovational information and other required means in innovation for other persons and specifically other innovators. This is for planning the assessment and promotion of the aforementioned innovation and facilitation and expedition of other innovations based on the acquired knowledge from the innovation concerned. Freedom of thought and freedom of expression, freedom of information, freedom of communication and right to development are reliable human rights foundations for open source legal approach. In accordance with the results of the present article, considering the emphasis on and promotion of principles and components of this approach in the aforementioned bases, all of them are reliable as to securing and ensuring free access to formula of innovation production and other needed means in the innovation. Based on the outcomes of this article, not only all of the aforementioned foundations are compatible with Imamiyah Jurisprudence and Iranian Law, but also they are emphasized in both of them. This proves the applicability of the open source legal in Iranian written law, in line with intellectual property law, in case of necessity.

KeyWords: Open Source Legal Approach, Human Rights, Imamiyah Jurisprudence, Law of Iran.



¹Associate Professor, Department of Intellectual Property Law, Faculty of Law, University of Qom. (Corresponding Author);Email: shshobeiri@yahoo.com

² Ph. D. Candidate in Private Law, Faculty of Law, University of Qom.

مبانی رویکرد حقوقی متن باز در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و ارزیابی قابلیت استناد به آنها در فقه امامی و حقوق ایران

تاریخ دریافت ۹۶/۰۲/۲۵ - تاریخ پذیرش ۹۶/۰۹/۲۶ سیدحسین شبیری (زنجان)^۱
جعفر نظام‌الملکی^۲

چکیده

رویکرد حقوقی متن باز به معنای تأمین امکان دسترسی آزاد به فورمول تولید نوآوری، اطلاعات نوآورانه و سایر لوازم مورد نیاز در نوآوری برای سایرین به ویژه مبتکرین دیگری باشد. این امر به منظور زمینه سازی ارزیابی نوآوری مذکور و ارتقاء آن و همچنین تسهیل و تسریع سایر نوآوریها بر مبنای دانش به دست آمده از نوآوری مورد نظر می باشد. آزادی اندیشه و آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی ارتباطات و حق توسعه مبانی حقوق بشری قابل استناد برای رویکرد حقوقی متن باز هستند. بر مبنای نتایج مقاله حاضر با توجه به تأکید و تقویت اصول و مؤلفه های اصلی حاکم بر رویکرد مذکور در مبانی فوق، هر یک از این مبانی در ارتباط با تأمین و تضمین دسترسی آزاد به فورمول تولید نوآوری ها و سایر اطلاعات و لوازم مورد نیاز در نوآوری مبنایی قابل استناد هستند. بر مبنای نتایج این مقاله نه تنها هر یک از مبانی فوق با فقه امامیه و حقوق ایران منطبق هستند؛ بلکه در آن دو به عنوان حقوق اساسی مورد تأکید نیز می باشند، که این امر قابلیت اعمال رویکرد حقوقی متن باز در حقوق موضوعه ایران را در موارد ضرورت، به موازات نظام حقوق مالکیت فکری، به اثبات می رساند.

واژگان کلیدی: رویکرد حقوقی متن باز، حقوق بشر، فقه امامیه، حقوق ایران.

^۱ دانشیار گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم. (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

shshobeiri@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.





مقدمه

رویکرد حقوقی متن باز به دلیل تقابل آن با رویه افراطی و انحصارگرا در زمینه حقوق مالکیت فکری، آن گونه که مورد توجه آمریکا و برخی از سایر کشورهای غربی است، در اسناد بین المللی و مقررات داخلی کشورها انعکاس نیافته است. این در شرایطی است که در عمل بسیاری از شرکت‌های بزرگ در حوزه فنآوری اطلاعات از قبیل لینوکس^۱ و موزیلا^۲ (طلوع و نظام الملکی، ۱۳۹۴: ۹۵) و همچنین بنیادهای فعال علمی و تحقیقاتی در حوزه زیست فنآوری همچون بنیاد فنآوری کشاورزی آفریقایی^۳، بنیاد نوآوریهای زیستی برای جامعه آزاد^۴ و... بر مبنای رویکرد مذکور از نوآوریهای خود حمایت نموده و تجربه مفیدی هم در این زمینه داشته اند.^۵

با توجه به چالشهای انتقال فنآوری در سطح بین المللی اتخاذ رویکرد حقوقی متن باز و تلاش برای فراگیر نمودن آن گامی مطلوب به منظور رفع تبعیض و تحقق توسعه فراگیر می باشد. در این میان برخی از مصادیق حقوق بشر، یعنی آزادی اندیشه و آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی ارتباطات و حق توسعه، به خوبی متضمن تأکید و تقویت مؤلفه های اصلی و اساسی رویکرد حقوقی متن باز، یعنی تأمین و تضمین دسترسی آزاد به فورمول تولید و سایر اطلاعات و لوازم مورد نیاز در نوآوری در سطح عالی و بدون هر گونه تبعیض و محدودیت و در تمامی مراحل انتشار، بهره برداری و واگذاری نوآوری، می باشند. این امر می تواند مبنایی برای پذیرش فراگیر این رویکرد حقوقی در سطح بین المللی، به عنوان

1- Linux Operating System

2- Mozilla Firefox web browser

3- African Agricultural Technology Foundation (AATF)

4- Biological Innovation for Open Society

۵- در این زمینه به سایت بنیادهای مذکور در آدرسهای اینترنتی ذیل مراجعه نمایید: <http://www.bios.net>

<https://www.aatf-africa.org>





راهکاری جهت رفع تبعیض و موانع انتقال فنآوری، باشد. در این راستا در سطح بین‌المللی ضروری است که قابلیت توجیه رویکرد حقوقی متن باز بر مبنای هریک از این حقوق و آزادیها با توجه به اسناد بین‌المللی حقوق بشر تحلیل و ارزیابی گردد. در سطح داخلی نیز مطابق اصول (۴) و (۹۴) قانون اساسی هیچ یک از مقررات نباید مغایر با موازین شرعی باشد و در نتیجه هر نهاد و رویکرد حقوقی جدیدی می‌بایست قبل از هر چیز از منظر مغایرت و یا عدم مغایرت آن با موازین شرعی، که مطابق اصل (۱۲) قانون اساسی جز در موارد خاص منظور فقه امامیه است، ارزیابی گردد.

مقاله حاضر درصدد است به منظور استفاده از رویکرد حقوقی متن باز در کشورمان در سطح داخلی و تعاملات بین‌المللی در حد مطلوب نخستین گام را با پرداختن به مبانی موضوع طی نماید. در این راستا قبل از هر چیز با رویکرد حقوقی متن باز آشنا می‌شویم. در خصوص آزادی اندیشه و آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی ارتباطات و حق توسعه در مورد هر یک از آنها پس از تبیین مفهوم و قلمرو، به تحلیل آن به عنوان مبنای رویکرد حقوقی متن باز بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر پرداخته و در نهایت به بررسی قابلیت استناد به مبانی مذکور بر مبنای فقه امامیه و حقوق ایران می‌پردازیم.

۱. آشنایی با رویکرد حقوقی متن باز

رویکرد حقوقی متن باز مبتنی بر مجموعه استانداردهایی است که به منظور دسترسی آزاد به فورمول تولید نوآوری و ایجاد حق اصلاح و انتشار مجدد فورمول مذکور برای توسعه و ارتقاء این نوآوری و همچنین ایجاد نوآوریهای جدید بر مبنای آن تدوین و تکامل یافته‌اند. این تحول حقوقی که در تقابل با انحصار ناشی از رویکرد افراطی در زمینه حقوق مالکیت فکری بود نخست در حوزه نرم افزار به وقوع پیوست. (طلوع و نظام الملکی، ۱۳۹۴: ۹۳). پس از توسعه رویکرد متن باز در حوزه نرم افزارها و تجربه موفق آن در این زمینه رویکرد مذکور در حال سرایت و گسترش نسبت به سایر حوزه‌های نوآوری می‌باشد، که تا به امروز صرفاً نسبت به حوزه زیست فنآوری، آن هم به کندی و نه در حد کامل، بوده است. اصول





دهگانه حاکم بر رویکرد حقوقی متن باز بر مبنای اعلام بنیاد نرم افزاری متن باز (با کمی تغییرات) عبارتند از^۱:

۱- آزادی باز توزیع (El-Kassas, 2005:7).

۲- دسترسی آزاد به فورمول تولید نوآوری

۴- حمایت از تمامیت فورمول تولید نوآوری^۲

۵- عدم تبعیض علیه شخص یا گروهی خاص

۶- عدم تبعیض استفاده در زمینه مشخص

۷- انتشار یکسان لیسانس

۸- منع محدود نمودن نوآوری به اجراء در یک مجموعه

۹- عدم ایجاد محدودیت برای سایر نوآوریها

۱۰- بیطرفی فناورانه^۳ (زرکلام و نظام الملکی و طلوع، ۱۳۹۵: ۹-۷).

رویکرد حقوقی متن باز با مبنا قراردادن اصول فوق به خوبی جریان آزاد اطلاعات و حق دسترسی به دانش را که زمینه ساز ابداعات آینده است تأمین می نماید. این امر موجب پذیرش فراگیر و گسترش روزافزون رویکرد مذکور در حوزه نرم افزارها گردیده است.^۴

^۱- بنیاد نرم افزاری متن باز اصول مذکور را در ارتباط با نرم افزارها اعلام نموده است که با اندکی تغییرات به شرح اعمال شده در این مقاله در سایر حوزه های نوآوری نیز قابل استناد است. تغییر در نحوه بیان این اصول در اینجا در زمینه به کار بردن واژه عام «نوآوری» به جای واژه نرم افزار، که نوع خاصی از نوآوریها، می باشد است. برای دیدن متن اصلی این اصول در سایت بنیاد متن باز ر.ک: <https://opensource.org/osd>

^۲- منظور از این اصل آن است که ضمن آنکه اجازه تغییر در نوآوری داده می شود در نوآوری های بعدی باید شکل اولیه فورمول نیز به همراه شکل تغییر یافته آن در دسترس قرار گیرد تا تمامیت نوآوری اولیه حفظ گردد (طلوع و نظام الملکی، ۱۳۹۴: ۹۹).

^۳- مطابق اصل مذکور لیسانس نوآوری متن باز نباید بدون دلیل فناوری یا نوآوری خاصی را برای استفاده، نسبت به موارد مشابه مقدم دارد (زرکلام و نظام الملکی و طلوع، ۱۳۹۵: ۹).

^۴- به گونه ای که به موازات شرکتهای نرم افزاری بزرگی چون مایکروسافت، که در قالب نظام حق مؤلف یا همان کپی رایت از محصولات نرم افزاری خود حمایت می نمایند، بسیاری از شرکتهای نرم افزاری بزرگ از قبیل لینوکس، مرورگر موزیلا، وب سرور آپاچی نظام متن باز را برای حمایت از نرم افزاری های خود برگزیده اند (زرکلام، نظام الملکی و طلوع، ۱۳۹۵: ۴).





ماهیت اصول متن باز به گونه ای است که با برخی تغییرات نوآوریهای سایر حوزه ها از جمله حوزه زیست فناوری را نیز در بر می گیرد. به علاوه مؤلفه ضروری که موجب ایجاد نظام نرم افزاری متن باز گردیده، یعنی تأمین دسترسی به دانش پیشین و خلاقیت به کار رفته در سایر نوآوریها، در ارتباط با نوآوریهای زیست فناوری نیز، حتی در حد بیشتر و جدی تری، مطرح است؛ زیرا علم زیست فناوری نقش اساسی در تأمین کالاها و خدمات حیاتی مورد نیاز انسان دارد. این چنین نوآوریهای این حوزه از قبیل داروها و روشهای درمان زیستی، نوآوریهای راجع به کشاورزی، نوآوریهای راجع به مواد خوراکی صنعتی، کالاها و خدماتی است که با حقوق اولیه بشر از قبیل حق بر غذا، حق دسترسی به دارو و روشهای درمان و همچنین سایر حقوق بشری به ویژه حق دسترسی به دانش و حق توسعه، منافع عمومی جوامع و حتی منافع اساسی حاکمیتها ارتباط مستقیم دارد. براین اساس و بر مبنای تجربه موفق به کارگیری رویکرد حقوقی متن باز به عنوان نظام حمایت حقوقی از نوآوریهای نرم افزاری، نظریه متن باز از حوزه ها نرم افزارها فراتر رفته و به حوزه نوآوریهای زیست فناوری نیز توسعه یافته است، که البته این تحولی در جریان بوده و هنوز به سرانجام نرسیده است (حبیبیا و معلی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). البته این همه نباید به معنای نفی نظام حقوق مالکیت فکری انگاشته شود بلکه رویکرد حقوقی متن باز در تکمیل خالها و نواقص موجود در زمینه اعمال حقوق مالکیت فکری در ارتباط با تأمین و تضمین دسترسی به اطلاعات نوآورانه و ایجاد بستری برای تبادل اطلاعات نوآورانه مورد نظر است. این همه نه تنها در تقابل با نظام حقوق مالکیت فکری نیست بلکه در راستای تأیید و تقویت مبانی و اهداف آن نیز می باشد. زیرا مبنا و هدف اصلی نظام حقوق مالکیت فکری جمع منافع متقابل مبتکر و جامعه است؛ بدین نحو که در قبال اعطاء حقوق انحصاری حتی در طی دوره موقتی حمایت دسترسی جامعه به





اطلاعات نوآورانه را تأمین و تضمین نماید؛^۱ به گونه ای که فرآیند نوآوری بر مبنای نوآوری مذکور استمرار یابد.^۲

^۱- بر مبنای همین واقعیت است که در نظام حق اختراع و مقررات ثبت اختراع یکی از شرایط تعلق حمایت افشاء اختراع می باشد. در قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرحهای صنعتی مصوب ۱۳۸۶ کشورمان یکی از مواردی که باید در اظهارنامه ثبت اختراع ذکر گردد را توصیف ادعای خلاصه ای از توصیف اختراع دانسته است. ماده مذکور مقرر می دارد: «اظهارنامه ثبت اختراع که به اداره مالکیت صنعتی داده می شود، باید موضوعی را که حمایت از آن درخواست می شود، تعیین کرده و به فارسی تنظیم شود، دارای تاریخ و امضاء بوده و خواسته، توصیف ادعا، خلاصه ای از توصیف اختراع و در صورت لزوم نقشه های مربوطه را دربرداشته باشد.».

^۲- بر مبنای همین واقعیت است که گفته می شود افشاء باید به گونه ای باشد که برای سایرین قابل درک و بهره برداری باشد. بند ج ماده (۶) قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ در این زمینه آمده است: «ج - ادعای مذکور در اظهارنامه، گویا و مختصر بوده و با توصیف همراه باشد، به نحوی که برای شخص دارای مهارت عادی در فن مربوط واضح و کامل بوده و حداقل یک روش اجرایی برای اختراع ارائه کند. خلاصه توصیف فقط به منظور ارائه اطلاعات فنی است و نمی توان برای تفسیر محدوده حمایت به آن استناد کرد». در حوزه زیست فناوری مطابق مقررات ثبت اختراع نه تنها می بایست توصیف فنی کتبی در خصوص اختراع صورت گیرد؛ بلکه علاوه بر آن برای تضمین در دسترس ساختن یا همان افشاء کامل می بایست یک نمونه از میکرو ارگانیسم اختراعی ودیعه گذاری شود. به طور مثال الزامات مذکور در بخش (۱۱۲) قانون ثبت اختراع آمریکا پیش بینی گردیده است. در این زمینه در سطح بین المللی نظام ودیعه گذاری بین المللی میکرو ارگانیسم در معاهده بوداپست راجع به شناسایی بین المللی ودیعه گذاری میکرو ارگانیسم ها برای هدف رویه ثبت اختراع در سال ۱۹۷۷ ایجاد گردیده است. در اروپا نیز در دستور العمل پارلمان و شورای اروپا راجع به حمایت حقوقی از اختراعات زیست فناوری مصوب ۱۹۹۸ در ماده (۱۳) خود اجرای الزام ودیعه گذاری را به صورت مشروط، در مواردی که مواد مورد نظر در دسترس عمومی نبوده و نمی تواند به گونه ای در تقاضای اختراع توصیف گردد تا یک فرد ماهر در حوزه علمی و صنعتی اختراع بتواند اقدام به بازتولید آن اختراع (بر مبنای توصیف به عمل آمده) نماید، پیش بینی نموده و در این زمینه به معاهده بوداپست نیز اشاره نموده است. در این زمینه به مقررات ذیل مراجعه نمایید:

United States Code Title 35 – Patents(35 U.S.C) Section 112 available at: <https://www.uspto.gov/web/offices/pac/mpep/mpep-9015-appx-1.html> and Budapest Treaty on the International Recognition of the Deposit of Microorganisms for the Purposes of Patent Procedure 1977 and DIRECTIVE 98/44/EC OF THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL of 6 July 1998 on the legal protection of biotechnological inventions available at: <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A31998L0044>



۲. آزادی اندیشه و آزادی بیان

۲-۱. مفهوم و قلمرو آزادی اندیشه و آزادی بیان

در بدو امر با توجه به ظاهر برخی اسناد بین المللی به نظر می رسد آزادی اندیشه هر نوع اندیشه ای را در بر نگرفته و ناظر بر اندیشه های عقیدتی^۱ است. متعاقب آن در این مفهوم آزادی بیان نیز اصولاً ناظر بر ابراز و بیان اندیشه های مذکور می باشد. این امر به ویژه در تبیین مفهوم آزادی اندیشه به چشم می خورد؛ چنانکه در ماده (۱۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و بند (۱) ماده (۱۸) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳ و بند (۱) ماده (۹) کنوانسیون حقوق بشر اروپایی^۴ این مفهوم از آزادی اندیشه مورد پذیرش و عمل واقع گردیده است. اگر چنین باشد دیگر جایی برای استناد به آزادی اندیشه و بیان در مقام مبانی رویکرد حقوقی متن باز، که در حوزه علم و فناوری مطرح است و ارتباط چندانی با اندیشه های عقیدتی نمی یابد باقی نمی ماند. اما به نظر می رسد به دلایل ذیل باید گفت مفهوم آزادی اندیشه فراتر از صرف اندیشه های عقیدتی رفته و اساساً همان طور که اصطلاح شایع «آزادی اندیشه و عقیده» و استفاده از واژه عام «اندیشه» به موازات واژه «عقیده» در عنوان به خوبی می رساند، هر نوع اندیشه ای را اعم از عقیدتی و غیر عقیدتی در بر گرفته و در نتیجه از مبانی رویکرد حقوقی متن باز محسوب می گردد:

^۱ - یعنی اندیشه های ناظر بر امور وجدانی و مذهبی و روش زندگی و جهان بینی افراد

^۲ - ماده (۱۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود.»

^۳ - بند (۱) ماده (۱۸) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خودخواه به طور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا، در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.»

^۴ - بند (۱) ماده (۹) کنوانسیون حقوق بشر اروپایی مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را دارد. این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و آزادی ابراز مذهب یا عقیده در قالب انجام مراسم مذهبی، آموزش، عمل یا رعایت، چه به صورت تنها و چه به همراه دیگران در محیط عمومی یا خصوصی، می گردد.»





۱. مفهوم عام آزادی بیان در اسناد بین المللی - این امر از مفهوم آزادی بیان در بند (۱) ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و بند (۲) ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۱) ماده (۱۰) کنوانسیون حقوق بشر اروپایی^۲ قابل استنباط است؛ چرا که در تمامی این مواد آزادی بیان علاوه بر آزادی در ابراز عقیده شامل دریافت و ابراز اطلاعات و ایده ها نیز دانسته شده است، که مفهومی عام دارد و شامل ایده ها و اطلاعات عقیدتی و غیر عقیدتی می گردد.

۲. آزادی بیان و مستند آن در اسناد بین المللی مبنای ایجاد آزادی (حق) ارتباطات است - حق ارتباطات بر امکان ارتباط و ابراز عقاید، اطلاعات و دانش از طریق وسایل ارتباطی، صرف نظر از محتوای موضوع ارتباط که اطلاعات، دانش یا عقیده باشد، تأکید دارد. این در حالی است که، بخشی از مستند پذیرش و شناسایی حق مذکور همان مواد و مستندات پذیرش حق آزادی بیان به شرح فوق الذکر می باشد (عباسی، ۱۳۹۵: ۵۳۲).

۳. بند (۳) ماده (۱۵) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی - بند مذکور صراحتاً مقرر می دارد: «دولتهای طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه را محترم بشمارند.» بدیهی است که با توجه به استعمال واژه «علمی» در اینجا این مقرر به بیش از آنکه بخواهد ناظر بر آزادی اندیشه و بیان در خصوص اندیشه های عقیدتی باشد ناظر بر اندیشه های غیر عقیدتی است. بر مبنای دلایل فوق الذکر می بایست آزادی اندیشه و بیان را در نظام حقوق بشر کنونی در معنای عام خود شامل اندیشه های عقیدتی و غیر عقیدتی هر دو دانست^۳.

۱- ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

۲- بند (۱) ماده (۱۰) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می دارد: «هر کسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل حفظ عقاید و دریافت و ابراز اطلاعات و ایده ها، که تعارضی با اقتدار عمومی نداشته، صرف نظر از ملاحظات مرزی، می باشد.....»

۳- چنانکه در فرهنگ حقوق بشر بین الملل نیز آزادی بیان در مفهوم عام به شرح فوق الذکر تعریف گردیده است. در فرهنگ مذکور در تعریف آزادی بیان آمده است: «یک قاعده ماهوی خاص در حقوق بشر، که به یک فرد اجازه





۲-۲. تحلیل آزادی اندیشه و آزادی بیان به عنوان یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز

علی رغم آنکه نظام حقوق مالکیت فکری خود برای جمع منافع متقابل مبتکر و جامعه ایجاد گردیده است در عمل رویکرد افراطی در زمینه حقوق مذکور با تأکید نامتوازن و غیر منصفانه بر منافع مبتکر از منظر ایجاد حقوق انحصاری برای وی در نهایت مانع تبادل اطلاعات مرتبط با نوآوری گردیده و این همه آزادی اندیشه و آزادی بیان را در زمینه اطلاعات مذکور تضعیف می نماید. در راستای رفع این دشواری و برخی اهداف دیگر رویکرد حقوقی متن باز شکل گرفت. ایده اصلی در رویکرد حقوقی متن باز تأمین و تضمین فضای دسترسی به اطلاعات نوآوری ها از طریق انتشار فورمول تولید آن است تا متعاقب آن سایر اشخاص و مبتکرین به ارائه نظرات خود برای توسعه و ارتقاء نوآوری مذکور پرداخته یا حتی خود آن را توسعه و ارتقاء دهند و هم اینکه با استفاده از اطلاعات مذکور ایجاد نوآوریهای دیگر تسریع و تسهیل گردد. بدیهی است که در نظام حقوق مالکیت فکری نیز این اختیار برای مبتکر وجود دارد که حتی فورمول تولید را رایگان در اختیار دیگران قرار دهد؛ اما در رویه عملی لااقل در دوره حمایت از نوآوری منافع مبتکر اولویت نخستین بوده و این خود مقوله دسترسی به خود نوآوری را محدود می نماید؛ چه رسد به فورمول تولید یا همان متن برنامه، که دستیابی به آن از نقطه نظر رویه فوق منافع مبتکر را تضعیف می نماید. در مقابل رویکرد حقوقی متن باز ضمن احترام به حقوق مالکانه و حفظ خصیصه قابلیت بهره برداری تجاری یا تجاری سازی نوآوری دسترسی سایر اشخاص و مبتکرین به اطلاعات نوآورانه را تأمین و تضمین می نماید و این جز به معنای زمینه سازی آزادی اندیشه و آزادی بیان و امکان تبادل اطلاعات نمی باشد. به ویژه آنکه از یک سو رویکرد حقوقی متن باز زمینه سازی موارد مذکور را صرفاً در انتشار نخستین نوآوری مورد توجه قرار نداده و در مرحله بهره برداری از نوآوری بر مبنای قرارداد لیسانس (اصل هفتم از اصول متن باز) و حتی



می دهد، اطلاعات، ایده ها، نظرات و اعتقاداتش را از هر یک از طرق سخن گفتن، نگارش، بیان از طریق نمادها شامل بیان هنری، بدون محدودیت از طرف دولت، با لحاظ محدودیتهای خاص ابراز نماید. (Conde, 2004: 92).



ایجاد آثار مشتق (اصل سوم) نیز لحاظ و اعمال می نماید. از سوی دیگر، صرف زمینه سازی مورد نظر نبوده و این امر می بایست در حد عالی و فراگیر و بدون تبعیض در ارتباط با اشخاصی که امکان دستیابی به اطلاعات نوآورانه را دارند (اصل پنجم) و همچنین نوع استفاده ای که از اطلاعات نوآورانه (اصول ششم و هشتم) به عمل می آید باشد^۱.

۲-۳. آزادی اندیشه و آزادی بیان در فقه امامیه و حقوق ایران

در این قسمت نخست از آزادی اندیشه و سپس از آزادی بیان سخن به میان خواهیم آورد: - آزادی اندیشه- در ارتباط با آزادی اندیشه در فقه امامیه می توان به موارد ذیل استناد نمود:

۱- تأکید بر آزادی اندیشه در منابع اسلامی به اشکال مختلف صورت گرفته است. این تأکید بیش از هر چیز از طریق تأکید بر لزوم تفکر و تعقل به عنوان عنصر اصلی آزادی اندیشه می باشد. البته لحن آیات و روایات مورد استناد به خوبی می رساند که مقصود از تفکر، تفکر آزاد است نه تفکر متعصبانه و القاء شده، که اساساً تفکر محسوب نمی گردد. قرآن مبنای اصلی را در تعالی انسان تفکر و تعمق در امور می داند و همواره عقل آدمی را به داوری می طلبد؛ چنانکه در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر آمده است: « پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان^۲». بر مبنای مفهوم عام سخن (قول) در این آیات که هر گونه قول و سخن را شامل می شود و نه صرفاً عبادیات و اوامر شرعی را (مکارم شیرازی

^۱- علاوه بر موارد فوق عامل دیگری که نقش آزادی اندیشه و بیان به عنوان یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز را بیش از پیش تأیید و توجیه می نماید ارتباط آن با تولید علم است؛ بدین نحو که در رشته های مختلف علمی انتشار و ابراز یافته ها و اطلاعات علمی یکی از مقدمات ضروری و بخش های لاینفک پژوهش است (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۵-۳۱) و این همان چیزی است که آزادی اندیشه و آزادی بیان در صدد تأمین آن به طور کلی می باشند.

^۲- کلیه آیات استفاده شده در این مقاله بر اساس ترجمه ناصر مکارم شیرازی بوده است که در سایت ذیل موجود است:



و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۴۱۳)^۱، تردیدی در دلالت آیات مذکور بر آزادی اندیشه باقی نمی ماند.^۲

۲- قرآن در بسیاری از موارد مخاطب خود را در فهم امور و نشانه ها خردمندان (اولوالالباب) قراردادده است. منظور از اولوالباب (خردمندان) صاحبان عقل و خرد کامل است (حلی، ۱۴۲۵: ۳۵۸) که ناظر بر کسانی است که آزادانه و فارغ از تعصب و تحجر تفکر و تعقل می نمایند.^۳ این چنین تأکید بر جایگاه خردمندان، متضمن تأکید بر آزادی اندیشه نیز می باشد.

۳- در روایات اسلامی نیز تفکر به عنوان رکن و عنصر اصلی آزادی اندیشه مورد تأکید واقع گردیده است. تأکید مذکور به طرق مختلف بوده است؛ بدین نحو که گاه تفکر به معنای عبادت واقعی دانسته شده است؛ چنانکه امام رضا (ع) می فرماید: «عبادت کثرت نماز و روزه نیست. همانا عبادت تفکر در امر خداوند است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵). گاه تفکر عبادت برتر خوانده شده است. چنانکه پیامبر (ص) می فرماید: «بهترین عبادت شیفتگی به تفکر در

مطلبی در مورد حقوق تن از اراده تن، حقوق بشر و از زاری تا نیست، آساند تقدیر و حقوق ایران

^۱ - علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیات تفسیر واژه «قول» را به قرآن و اوامر خدای تعالی توسط سایر مفسرین را پذیرفته و «قول» را در مفهوم عام خود دانسته اند «طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۵۰».

۲- چنانکه در تفسیر این آیات گفته شده است: «نخست می گوید: "بندگان مرا بشارت ده" و بعد این بندگان ویژه را به این صورت معرفی می کند که "آنها به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر گوش فرا می دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آنها را بر می گزینند" هیچگونه تعصب و لجاجتی در کار آنها نیست، و هیچگونه محدودیتی در فکر و اندیشه آنها وجود ندارد، آنها جویای حقد و تشنه حقیقت، هر جا آن را بیابند با تمام وجود از آن استقبال می کنند، و از چشمه زلال آن بی دریغ می نوشند و سیراب می شوند. آنها نه تنها طالب حقد و تشنه گفتار نیک، بلکه در میان "خوب" و "خوبتر" و "نیکو" و "نیکوتر" دومی را بر می گزینند، خلاصه آنها خواهان بهترین و برترینند. آری این است نشانه یک مسلمان راستین و مؤمن حق طلب.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۴۱۲).

^۳ - چنانکه به طور مثال در آیه ۲۹ سوره ص قرآن آمده است: این [کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند». در آیه ۵۲ سوره ابراهیم نیز آمده است: «این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم یابند و بدانند که او معبودی یگانه است و تا صاحبان خرد پند گیرند». برای دیدن سایر آیات در این زمینه ر.ک: (آیه ۱۰ و ۱۱ سوره نحل، آیه ۲۶۹ سوره بقره و آیه ۹ سوره زمر).





امر خداوند و قدرت او می باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۵). همچنین گاه تفکر در مقایسه با عبادت دارای ارزش بسیار برتر و بالاتری دانسته شده است؛ چنانکه ایشان می فرمایند: ساعتی کوتاه اندیشه کردن بهتر از یک سال عبادت است» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۰۵).

۴- در فقه سیاسی شیعی از یک سو بر مبنای منابع اسلامی و به ویژه دستورات قرآن آزادی اندیشه به موازات آزادی بیان از حقوق و آزادیهای اساسی و حتی از مصادیق حق تعیین سرنوشت قلمداد می گردد (عمید زنجانی، ۱۴۲۱: ۵۷۷ و منتظری نجف آبادی، بی تا: ۴۲۱)؛ از سوی دیگر اصل آزادی اندیشه به موازات اصل آزادی بیان از اصول اساسی حاکم بر مردم سالاری دینی می باشد (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹: ۳۲۲).

در ارتباط با رویکرد فقهی مستنبط از آیات و روایات فوق باید توجه نمود که صرف نظر از حوزه عبادیات در سایر موارد اگر فرد بخواهد صرفاً ایده خاصی را که به وی القاء شده حفظ نموده و در محدوده آن به تفکر محدود پردازد و دیگر هیچ ضرورتی برای این همه تأکید بر تفکر و تعمق وجود ندارد و آیات و روایات مذکور را می بایست حشو دانست که قطعاً قابل قبول نیست؛ لذا وجود این همه آیات و روایات با محتوای تأکید بر تفکر و تعقل جز در فضای تفکر آزاد و با وجود آزادی اندیشه معنا و فایده نمی یابد.

در حقوق ایران نیز آزادی اندیشه و عقیده به عنوان یکی از حقوق بنیادین افراد جامعه مورد توجه و تأکید واقع گردیده است. اصل بیست و سوم قانون اساسی به بیان مهمترین مصداق آزادی اندیشه، یعنی آزادی عقیده، و حمایت از آن پرداخته است. اصل مذکور مقرر می دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد مؤاخذه قرارداد.» اصل (۲۶) قانون اساسی نیز که مقرر می دارد: «احزاب، جمعیتها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند...» تأکید دیگری بر اصل آزادی اندیشه می باشد (غلامی، ۱۳۹۴: ۹). ضمن آنکه با توجه به پیوند نا گسستنی آزادی اندیشه و آزادی بیان و اینکه آزادی بیان مبتنی بر آزادی اندیشه است می بایست موارد تأکید بر آزادی بیان در حقوق موضوعه ایران، به شرحی که خواهد آمد، را ناظر بر آزادی اندیشه نیز دانست.





-آزادی بیان- در ارتباط با آزادی بیان نیز رویه قرآن در امر و تأکید بر مجادله و تبادل نظر به روش نیکو به خوبی بر آزادی بیان از منظر قرآن دلالت می نماید؛ چنانکه خداوند در آیه ۱۲۵ سوره نحل خطاب به رسول اکرم (ص) روشهای سه گانه دعوت پیامبر را حکمت، موعظه و مجادله^۱ می داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۴۵۶ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۴)، که مقدمه اساسی برای امکان به کارگیری هر یک از این روشها وجود آزادی بیان می باشد.^۲ همچنین خداوند به مسلمانان امر می نماید که با اهل کتاب به روش نیکو مجادله نمایند: «با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید،.....» (سوره عنکبوت، آیه ۴۶). بر مبنای تفاسیر به عمل آمده در خصوص وصف نیکو در این آیه و امر به روش مجادله نیکو که به معنای تلاش برای قانع ساختن طرف مقابل بدون هرگونه فشار و تهدید و طعنه و توهین می باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ۲۹۸ و ۲۹۹ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۰۵) به خوبی واضح است که این آیات علاوه بر حق اظهار اندیشه و عقاید سایر مکاتب و مذاهب شامل حق آزادی بیان به طور کلی نیز می باشد؛ زیرا این امر مقدمه حتمی و ضروری برای اتخاذ روش مجادله نیکو می باشد.^۳

مجله پژوهش‌های حقوقی، فصلنامه علمی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۰، تهران: انتشارات سروش، ص ۶۷

۱- حکمت، به معنای دست یافتن به حق به وسیله علم و عقل است. موعظه به معنای بیان نمودن کارهای نیک به گونه ای که قلب شنونده از شنیدن آن رقت پیدا نماید می باشد. مجادله عبارت است از اینکه «آنچه را که خصم خودش به تنهایی و یا او و همه مردم قبول دارند بگیریم و با همان ادعایش را رد کنیم» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

۲- در آیه مذکور آمده است: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به [حال] راه یافتگان [نیز] دانتر است.»

۳- به علاوه در قرآن در مقام بحث و مجادله با مخالفین و منکرین حتی آنجا که کذب ایشان مشهود است بر تضعیف و نفی بی دلیل آنها امر نشده، بلکه به آنها اجازه ارائه دلیل داده می شود و گفته می شود دلیل خود را بیاورید (هاتوا برهانکم) و در نهایت نفی عقیده آنها به صرف مخالفت و انکار ایشان نبوده و بر مبنای کذب و بی دلیل بودن ادعایشان می باشد؛ چنانکه در آیه ۲۴ سوره انبیاء آمده است: «آیا آنها جز خدا معبودانی برگزیدند؟ بگو دلیلتانرا بیاورید.....». برای دیدن سایر آیات در این زمینه ر.ک: (سوره بقره، آیه ۱۱۱ و سوره قصص، آیه ۷۵ و آیه ۶۴ سوره نمل).





این همه نشان می دهد که قرآن آزادی بیان را مقدمه و حتی روش مناسب برای گسترش یک ایده و اندیشه می داند. در بند «الف» ماده (۲۲) اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز در زمینه آزادی بیان آمده است: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد.».

در فقه سیاسی شیعی آزادی بیان اولین حقی دانسته شده است که می بایست نسبت به موافق و مخالف به صورت یکسان و برابر اعمال گردد (منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹: ۳۲۳). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مطبوعات و صدا و سیما به این نوع از آزادی اشاره شده است، که این از باب غلبه و تمثیل بوده است نه انحصار^۱. اصل (۲۴) قانون اساسی مقرر می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.» اصل ۱۷۵ قانون اساسی در ارتباط با صدا و سیما که رسانه های دیداری و شنیداری اصلی در جمهوری اسلامی ایران را در اختیار دارد مقرر می دارد: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» بر مبنای مجموع موارد فوق الذکر تردیدی باقی نمی ماند که آزادی اندیشه و آزادی بیان در فقه امامیه و همچنین حقوق ایران مورد پذیرش و تأکید واقع گردیده است.

۱- در ارتباط با اصول مورد بحث در ارتباط با آزادی عقیده و بیان در قانون اساسی باید دقت نمود که قطعا اشاره بر آزادی عقیده و آزادی بیان در ارتباط با مطبوعات و صدا و سیما از باب غلبه بوده است؛ نه از باب انحصار موضوع به صرف آزادی عقیده و آزادی بیان در مورد خاص مطبوعات و صدا و سیما؛ بدین نحو که در مقطع نگارش قانون مذکور آزادی عقیده از میان موارد و مصادیق مختلف آزادی اندیشه و آزادی بیان در حوزه مطبوعات و صدا و سیما بیش از سایر حوزه ها مورد توجه بوده است. در تأیید این دیدگاه می توان گفت آزادیهای مذکور در مفهوم عام در منابع اسلامی صراحتا مورد پذیرش واقع گردیده است و از یک سو مطابق اصل (۱۶۷) قانون مذکور منابع مذکور منبع تکمیلی در موارد سکوت یا نقص یا اجمال مقررات می باشد و از سوی دیگر مطابق اصول ۴ و ۹۴ قانون اساسی قدر متیقن آنکه مقررات نمی توانند با موازین شرعی، از جمله آزادی اندیشه و آزادی بیان، مغایرت داشته باشند.



۳. آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات

۳-۱. مفهوم و قلمرو آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات

در قطعنامه شماره ۱۹۴۶/۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل آزادی اطلاعات چنین تعریف گردیده است « حق گردآوری، انتقال و انتشار اخبار در هر جایی بدون نیاز به مکاتبه»^۱. آنچه‌آنکه از تعریف مذکور نیز به خوبی بر می آید آزادی اطلاعات مقدمه تأمین و تحقق حق دسترسی به اطلاعات است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹). براین اساس تحقق آزادی اطلاعات و استمرار آن تحقق و استمرار حق دسترسی به اطلاعات را نیز به همراه دارد؛ نکته شایان ذکر آنکه آزادی اطلاعات از میان مصادیق حقوق بشر جایگاهی ویژه و نقش محوری دارد. چنانکه در همان قطعنامه شماره ۱۹۴۶/۵۹ آزادی اطلاعات، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، بر مبنای شفاف سازی عملکرد حکومتها در بستر آن، معیار تمامی آزادی‌هایی که ملل متحد از آن بهره مند می شوند دانسته شده است.

این نظریه که آزادی اطلاعات یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز می باشد قبل از هر چیز متکی بر قلمرو «مفهوم اطلاعات» در ترکیب «آزادی اطلاعات» است تا بر مبنای آن مشخص شود آیا شامل اطلاعات نوآورانه مورد نظر در رویکرد حقوقی متن باز می باشد یا خیر؟ در تعریف اصل آزادی اطلاعات متداول است که گفته شود این اصل صرفاً ناظر بر اطلاعات، اخبار و عقایدی است که دولت و دیگر نهادهای عمومی در اختیار دارند (عباسی،

^۱ - برای دیدن متن کامل این قطع نامه ر.ک:

[http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/59\(I\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/59(I))

^۲ - آزادی اطلاعات پیوند لاینفکی با آزادی بیان دارد؛ زیرا از یک سو آزادی اطلاعات یکی از نتایج و آثار آزادی بیان است؛ از سوی دیگر آزادی اطلاعات یکی از مهمترین مقدمات و لوازم آزادی بیان دانسته شده است (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۵۷ و انصاری، ۱۳۸۷: ۴۳). این چنین نه تنها هر یک از آزادی بیان و آزادی اطلاعات در مرحله تحقق یکدیگر نقش ایفاء نموده و تأثیر متقابل دارند؛ بلکه پس از تحقق هر یک از آنها نیز همواره این دو در زمینه تأمین و تقویت یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بر مبنای همین واقعیت بخشی از مستند اصلی آزادی بیان در اسناد بین المللی حقوق بشر مستند آزادی اطلاعات نیز می باشند (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۵۸ و ۱۵۹ و سلیمان دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴: ۸۰). این چنین بر مبنای پیوند این دو نوع از آزادی از یک سو و ماهیت اساسی حق دانستن از سوی دیگر میتوان گفت آزادی اطلاعات به عنوان «حق دانستن» (هاشمی و حسینی، ۱۳۹۲: ۶۸) نیز به موازات آزادی بیان از زمره حقوق نسل اول بشر یا همان حقوق مدنی و سیاسی است.





همان: ۱۵۷ و انصاری، همان: ۴۳ و انصاری، ۱۳۸۶ش: ۱۳۸). در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸ نیز در بدو امر به نظر می رسد همین رویه مورد پذیرش و عمل قرار گرفته است.^۱ مطابق ماده (۱) قانون مذکور اطلاعات عمومی «اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین نامه ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم این قانون نباشد.» است و مؤسسات عمومی «سازمانها و نهادهای وابسته به حکومت به معنای عام کلمه شامل تمام ارکان و اجزاء آن که در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده است.» می باشند. با وجود این به نظر می رسد با توجه به دلایل ذیل باید تا حدود زیادی از این ظاهر چشم پوشید و قلمرو مفهوم اطلاعات در تعبیر آزادی اطلاعات را گسترده تر از اطلاعات عمومی نزد مؤسسات عمومی دانست:

۱- هرگونه قابلیت انتساب به نهادهای عمومی یا خصیصه عمومی یافتن برای شمول اصل آزادی اطلاعات کافی است. بنابراین تعبیر عمومی و مؤسسه عمومی تعبیری منعطف است، که صرفاً برای جلوگیری از اجبار اشخاص خصوصی یا اجبار به افشاء اطلاعات شخصی و غیر ضرور می باشد نه آنکه وصف عمومی به مفهوم دقیق کلمه مورد نظر باشد.^۲

۲- در اسناد بین المللی مستند حق آزادی بیان و متعاقب آن حق آزادی اطلاعات صراحتاً از تأمین و تضمین دسترسی به هرگونه اطلاعات سخن به میان آمده است و آن را مقید به اطلاعات عمومی یا اطلاعات نزد مؤسسات عمومی ننموده است.^۳

^۱ - در این قانون برای اشخاص صرفاً حق دسترسی به اطلاعات عمومی پیش بینی گردیده و در ماده ۵ اشخاص مشمول تکلیف در قبال حق دسترسی به اطلاعات صرفاً مؤسسات عمومی دانسته شده اند. بنابراین در بدو امر به نظر می رسد موضوع اصلی این قانون اطلاعات عمومی موجود نزد مؤسسات عمومی است.

^۲ - چنانکه بر مبنای همین واقعیت از ضرورت گسترده ساختن قلمرو آزادی اطلاعات سخن به میان آمده است. در این زمینه ر.ک: (انصاری، ۱۳۸۷: ۴۳ و ۴۴ و انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۹ و ۱۵۰).

^۳ - در قسم اخیر ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه آمده است: «..... حق مزبور شامل آنست که در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» بند (۱) ماده (۱۰) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در این زمینه مقرر می دارد: «این حق شامل حفظ عقاید و دریافت و ابراز اطلاعات و ایده ها، که تعارضی با اقتدار عمومی نداشته، صرف نظر از ملاحظات مرزی می باشد.» در نهایت ماده (۱۹) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز با صراحت بیشتری مقرر می دارد: «..... این حق شامل آزادی





۳- اعلامیه راجع به علم و استفاده از دانش علمی^۱ که ناظر بر فعالیتهای علمی و فناوری است در بندهای مختلف خود به ضرورت آزادی اطلاعات و تکلیف دولتها در این زمینه اشاره نموده است.:

- در بند (۱۵) اعلامیه مذکور در مقام بیان یکی از موارد مورد توجه در تدوین اعلامیه آمده: «اینکه تحول اطلاعات و ارتباطات ابزارهای جدید و کارآمدتری برای تبادل اطلاعات علمی و پیشرفت آموزش و تحقیقات ارائه می دهد».
 - در ادامه در بند (۱۶) اعلامیه مذکور نیز در همین زمینه آمده است: «اهمیت دسترسی کامل به اطلاعات و داده ها در قلمرو عمومی^۲ برای آموزش و تحقیقات علمی»^۳.
- بر مبنای موارد فوق ضرورت و اهمیت آزادی اطلاعات در حوزه تحقیقات و آموزش علمی و متعاقب آن لزوم تأمین این مؤلفه حیاتی از منظر اعلامیه مذکور، در این حوزه ها به خوبی آشکار می گردد.
- از مجموع موارد فوق مفهوم عام اطلاعات در آزادی اطلاعات و شمول آن بر اطلاعات نوآورانه از منظر اسناد بین المللی حقوق بشر قابل استنباط است.

مجله حقوق بشر و آزادیها، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۴، تهران: انتشارات حقوق بشر و آزادیها، تهران

تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد».

¹ -Declaration on Science and Use of Scientific Knowledge 1999

² Public Domain

^۳- علاوه بر موارد فوق نباید از ماهیت علمی و فرهنگی و کاربرد فرهنگی یا فناوریانه اطلاعات نوآورانه در حوزه مبنای غافل شد. در این زمینه علاوه بر موارد مورد استناد در بند دوم مستند دیگری نیز در اسناد بین المللی راجع به حقوق بشر وجود دارد، که مفهوم عام اطلاعات در زمینه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات و تکلیف اطلاع رسانی در قبال آن را می رساند. مستند مذکور ماده (۱۵) میثاق بین المللی حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی است. «دولتهای طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه را محترم بشمارند». مهمترین جنبه آزادی علمی آزادی تبادل اطلاعات علمی است. لذا بر اساس این ماده دولتها می بایست آزادی تبادل اطلاعات علمی لازم را، صرف نظر از مرجع نگهداری اطلاعات صحیح مورد تبادل، برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه تأمین نمایند. اگرچه خود واژه «علمی» نیز مفهومی عام دارد و فعالیتهای علمی نوآورانه را نیز در بر می گیرد، با این وجود، قید «فعالیتهای خلاقه» شمول آزادی مذکور بر اطلاعات نوآورانه و در نتیجه حاکمیت آزادی علمی بر حوزه نوآوریها را بیش از پیش آشکار می سازد.





۲-۳. تحلیل آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز

در حالی که مبنای ایجاد نظام حقوق مالکیت فکری جمع منافع متقابل مبتکر و جامعه هر دو می باشد در عمل چنین انگاشته می شود که نظام حقوق مالکیت فکری با ایجاد حق بهره برداری از نوآوری برای مبتکر وی را محقق می سازد تا مانع دسترسی دیگران به اطلاعات نوآورانه اصلی به ویژه فورمول تولید آن گردد؛ طبیعی است که در این وضعیت نمی توان این نظام را در زمینه تأمین و تضمین آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات موفق دانست؛ این در حالی است که نوآوری متکی بر آزادی اطلاعات و امکان دسترسی راحت به اطلاعات نوآورانه، به عنوان نوعی خاص از اطلاعات، است. رویکرد حقوقی متن باز بر مبنای همین ضرورت و برای رفع نقائص ناشی از این رویه برخی اصول را اعمال می نماید. بر این اساس آزادی اطلاعات یکی از مبانی اصلی رویکرد حقوقی متن باز می باشد.

تمامی اصول و قواعد رویکرد حقوقی متن باز درصدد تأمین آزادی اطلاعات در مراحل مختلف نوآوری، یعنی مرحله انتشار، مرحله بهره برداری و حتی مرحله واگذاری نوآوری می باشد. اصل دسترسی آزاد به فورمول تولید لزوم تأمین دسترسی به اطلاعات نوآورانه را در مرحله انتشار تأمین می نماید. اصل فراهم آوردن امکان تولید آثار مشتق و آزادی باز توزیع ناظر بر مرحله بهره برداری از اثر است؛ سایر اصول غیر از اصل حمایت از تمامیت فورمول تولید مبتکر، که درصدد تضمین حقوق مالکیت فکری وی است، ناظر بر منع محدودیت و تبعیض در استفاده، بهره برداری و واگذاری نوآوری است. این همه مقدماتی برای تأمین هدف آزادی اطلاعات و لوازم اساسی تأمین آن در حوزه نوآوری می باشند.

۳-۳. آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات در فقه امامیه و حقوق ایران

در روایات نبوی و ائمه علیهم السلام تلاش برای انتشار علم برای فرد عالم به منزله زکات علم قلمداد شده است؛ چنانکه در روایت آمده است: «زکات علم آن است که آن را به بندگان خدا بیاموزی» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰۱). همچنین در روایات دستیابی به اطلاعات و کسب علم فضیلتی متعالی است؛ تا آنجا که پیامبر (ص) می فرماید: «هر کس بابی از ابواب علم (علمی که بتوان بدان اطمینان داشت) بیاموزد فضیلتی بیشتر از هزار رکعت نماز به دست





آورده است». حتی در روایات متعدد ضمن اشاره بر فضیلت کسب علم طلب علم امری واجب برای هر مسلمانی دانسته شده است. چنانکه در روایت مشهور نبوی آمده است: «طلب علم کنید حتی اگر در چین باشد- همانا طلب علم امری واجب بر هر مسلمانی است». و در روایت دیگری از ایشان آمده است: «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است- به راستی خداوند مشتاقان علم را دوست دارد» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷).

این چنین در آیات و روایات تعلیم و تعلّم علم مورد تأکید است؛ این در حالی است که مقدمه ضروری برای تعلیم و تعلّم علم فضای آزاد تبادل اطلاعات علمی و آزادی اطلاعات است. بر این اساس و بر مبنای پیوند آزادی بیان، به عنوان یکی از حقوق اساسی مورد تأکید شارع، با آزادی اطلاعات در نهایت باید گفت: انتشار اطلاعات و در مقابل آن دریافت اطلاعات به عنوان ابعاد آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات در راستای تحقق هدف علم آموزی و آزادی بیان از منظر فقهی مورد تأکید می باشد، زیرا نمی توان گفت شارع آزادی بیان و علم آموزی را مورد تأکید قرار داده اما به مقدمه ضروری و حتمی آن، یعنی آزادی اطلاعات، توجهی نداشته است.

در حقوق ایران علاوه بر اصول (۲۴) و (۱۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که بر مبنای ملازمه و پیوند آزادی بیان با آزادی اطلاعات، بر این نوع از آزادی نیز دلالت می نماید، در قوانین عادی نیز به آزادی مذکور اشاره شده است؛ چنانکه در ماده (۵) قانون خط مشی کلی اصول و برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱، که رسانه های اصلی دیداری و شنیداری در ایران را در اختیار دارد، یکی از اصول حاکم بر این برنامه ها را کمک به گسترش آگاهی و رشد در زمینه های گوناگون به عنوان یک دانشگاه عمومی بر می شمارد. به علاوه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به عنوان یک قانون اختصاصی بندهای دوم و سوم بخش نخست خود را به ترتیب به «آزادی اطلاعات» و «حق





دسترسی به اطلاعات» اختصاص داده است که بیانگر محوریت این دو در قانون مذکور در بدو امر است^۱.

۴. آزادی ارتباطات (حق ارتباطات)

۴-۱. مفهوم و قلمرو آزادی ارتباطات

حق یا آزادی ارتباطات به معنای حق مردم بر تولید، ابراز، و انتقال عقاید، اطلاعات و دانش خود به مردم جهان، برقراری ارتباط و گفتگو با آنها، مشارکت آنها در امور جامعه و همچنین حق دسترسی به عقاید، اطلاعات و دانش آنها از راه رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی به منظور مشارکت همگانی در ایجاد و استقرار جامعه ای چند صدایی، عدالت، صلح، توسعه و خلاقیت است (عباسی، ۱۳۹۵: ۵۳۲). در اصل آزادی ارتباطات مهمترین مؤلفه تأمین و تضمین دسترسی افراد به ابزارها و منابع ارتباطاتی است. در ماده (۲) منشور ارتباطات مردمی^۲ ۱۹۹۳ در این زمینه آمده است: «همه مردم حق دسترسی به کانال های ارتباطی را مستقل از کنترل های تجاری و دولتی دارند». حق یا آزادی ارتباطات در راستای تداوم جریان آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات در نسل جدید حقوق بشر یا همان نسل سوم (حقوق همبستگی) مطرح گردیده است (Drzewicki, 1984: 39). ماده (۱) اعلامیه میلان راجع به ارتباطات و حقوق بشر^۱ در این زمینه مقرر می دارد: «حق ارتباطات یکی از



^۱ - البته، به شرحی که پیش از این گذشت، قانونگذار در بیان محتوا و تبیین احکام این موارد صرفاً در حوزه اطلاعات عمومی نزد مؤسسات عمومی، با توجیه «ترویج شفافیت»، که عنوان فصل سوم قانون مذکور است، به وضع احکام پرداخته است و در خصوص سایر شقوق آزادی اطلاعات سکوت اختیار نموده است. اما در هر حال قدر متیقن آنکه بر مبنای قانون مذکور آزادی اطلاعات در حدود اطلاعات عمومی نزد مؤسسات عمومی مورد پذیرش و عمل قرار گرفته است و تا این حد می توان این قانون را در خصوص آزادی اطلاعات مورد استناد قرار داد. باید دقت داشت که اطلاعات عمومی خود تعبیری است که حتی طبق دیدگاهی که واژه «اطلاعات» در تعبیر «آزادی اطلاعات» را صرفاً ناظر بر آزادی اطلاعات عمومی می داند شامل اطلاعات نوآورانه نزد مؤسسات عمومی نیز می گردد و از این منظر در اینجا قابل استفاده و استناد است.

^۲ - People's Communication Charter 1993



حقوق بشر جهانی است که متضمن سایر حقوق بشری نیز بوده و آنها را تأیید می نماید و می بایست در بستر تغییرات سریع فنآوریهای ارتباطاتی و اطلاعاتی حفظ شده و توسعه یابد».

۴-۲. تحلیل آزادی ارتباطات به عنوان یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز

فنآوری اطلاعات مبتنی بر ابزارها و روشهای تبادل اطلاعات است و آزادی ارتباطات بیش از هر چیز درصدد تأمین و تضمین دسترسی به روشهای مذکور و به کارگیری آنها می باشد. ساختار شبکه یکی از متداول ترین ابزارها و روشهای تبادل اطلاعات در حوزه فنآوری اطلاعات است (De Filippi, 2015: 465). ابزارهای ارتباطی در نظام حقوق مالکیت فکری یکی از ابزارهای اصلی برای نشر آثار فکری تلقی می گردد. در این میان رویکرد حقوقی متن باز، ضمن تأکید بر آزادی ارتباطات به منظور تأمین مؤلفه های مورد نظر خود و ارائه یک مدل مطلوب برای توسعه نوآوری، از شبکه های به اشتراک گذاری اطلاعات^۱، به عنوان نوع خاصی از ابزارهای فنآوری اطلاعات، برای تأمین آزادی مذکور در حالت و به میزان مطلوب خود بهره می گیرد تا با کمترین هزینه و به بهترین شکل ممکن دسترسی آزاد به اطلاعات و فنآوری را تأمین نماید.

در رویکرد حقوقی متن باز شبکه هایی برای به اشتراک گذاری اطلاعات نوآورانه مورد استفاده واقع می گردد. بر این اساس از آنها به شبکه به اشتراک گذاری نوآوریها تعبیر می گردد. شبکه به اشتراک گذاری نوآوریها یکی از مؤلفه های اساسی مدل توسعه نوآوری در رویکرد حقوقی متن باز است که خود سایر مؤلفه های اساسی^۲ و همچنین اهداف رویکرد حقوقی مذکور در تأمین و تضمین دسترسی آزاد به اطلاعات نوآورانه را به خوبی تأمین می نماید. در شبکه های مذکور، به اشتراک گذاری در اختیار خود استفاده کنندگان اطلاعات می باشد (Janet Hope, 2004:179 and 180).

توسعه استفاده از شبکه های به اشتراک گذاری نوآوریها با وجود رویکردهای افراطی در زمینه نظام های مالکیت مدار در حوزه نوآوری و محدودیتهای عملی در نحوه اعمال



^۱ - Peer Production or Distributed Production

^۲ - مؤلفه های مذکور عبارتند از: درهم تنیدگی اطلاعات، عدم تجانس نیاز مصرف کنندگان، افشاء آزاد، اختراع جمعی و حمایت جامعه. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: (Janet Hope, 2004:144-203).



حقوق مالکیت فکری می‌بایست بر توجیهاتی قوی‌تر و فراتر از آنچه در آزادی اطلاعات و آزادی بیان آمده مبتنی باشد؛ زیرا در این شبکه‌ها از یک سو ما با یک ابزار و روش خاص و قوی در اطلاع‌رسانی مواجه ایم که قابلیت تبادل بین اعضاء شبکه را در سطح وسیعی فراهم می‌نماید؛ از سوی دیگر در آن شبکه‌ها نقش تولیدی و ایجاد اطلاعات و ایده‌های جدید بیشتر از صرف تبادل اطلاعات می‌باشد. بهترین مبنا و توجیه در اینجا حق ارتباطات و یا آزادی ارتباطات است که بر نقش مولد انسان در تولید اطلاعات و گسترش قلمرو اطلاعات نیز تأکید دارد.

۳-۴. آزادی ارتباطات (حق ارتباطات) در فقه امامیه و حقوق ایران

آزادی ارتباطات بستری است که آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حتی حق توسعه را زمینه‌سازی می‌نماید. این چنین تأکید بر هر یک از این موارد متضمن تأکید بر آزادی ارتباطات به عنوان مقدمه آن نیز می‌باشد.

با استفاده از اصول و هنجارهای رفتاری موجود در منابع اسلامی می‌توان عملکرد رسانه‌ها به عنوان ابزار اصلی در نظام اطلاع‌رسانی را تابع برخی اصول و هنجارها دانست.^۱ یکی از این اصول اصل آزادی است که بر مبنای آن هیچ محدودیتی برای طرح افکار در رسانه‌ها نباید وجود داشته باشد و هر یک از اشخاص بتواند آزادانه اخبار و اطلاعات مورد نظر خود را از طریق رسانه‌ها عرضه نماید (Janet Hope, 2004:179 and 180). تأمین اصل آزادی ارتباطات و رسانه‌ها مبتنی بر نفی هرگونه تبعیض و امکان دسترسی و بهره‌مندی آزاد همگان از رسانه‌ها می‌باشد. این امر در مرحله تولید یا گردآوری و عرضه اطلاعات و اخبار از طریق رسانه‌ها (بهره‌مندی از ابزار رسانه برای ارائه اخبار و اطلاعات مورد نظر خود) و

^۱ - از مجموع این اصول و هنجارها به نظام هنجاری اطلاع‌رسانی تعبیر گردیده است. اصل توحید، اصل تقوا، اصل آزادی، اصل عدالت و اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصول هنجاری حاکم بر اطلاع‌رسانی در فقه شیعی مطرح گردیده‌اند؛ رعایت امانت در اطلاع‌رسانی، رعایت حقیقت‌مداری در اطلاع‌رسانی، رعایت صداقت، رعایت علم در اطلاع‌رسانی، رعایت اعتبار منبع، رعایت نقادی و نقد‌پذیری، رعایت مطالب نظام اسلامی، رعایت ادب و عفت هنجارهای اثباتی اطلاع‌رسانی (بایدها) بوده و ترک سب، لعن، فحش و قذف، ترک کتمان حقیقت، ترک افتراء، ترک تجسس، ترک غیبت و کشف اسرار، ترک اشاعه فحشا هنجارهای سلبی اطلاع‌رسانی (نبایدها) در نظام مذکور هستند (اسماعیلی و جلالی، ۱۳۹۱: ۹۴-۷۰).





در مورد صدا و سیما نیز به عنوان اصلی ترین رسانه دیداری و شنیداری در ماده (۵) قانون خط مشی کلی اصول و برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱ آمده است. «صدا و سیما باید به مثابه یک دانشگاه عمومی به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه های گوناگون مکتبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی کمک نماید». ماده مذکور بر ضرورت آزادی ارتباطات در صدا و سیما دلالت می نماید؛ زیرا کارکرد عام و گسترده صدا و سیما به عنوان یک دانشگاه عمومی در زمینه های گوناگون جز با وجود آزادی ارتباطات در این رسانه و در بستر آن محقق نخواهد شد.

در نهایت آنکه در قوانین برنامه توسعه، ابزارهای فناوری اطلاعات دارای جایگاه ویژه ای بوده و از الزامات و اهدافی سخن به میان آمده است که جز با تحقق آزادی ارتباطات تأمین و تحقق آنها ممکن نخواهد بود^۱.

^۱- در ماده (۱۰) قانون برنامه پنجم توسعه برای ساماندهی فضای رسانه ای کشور، مقابله با تهاجم فرهنگ بیگانه و جرایم و ناهنجاری های رسانه ای یکی از اقدامات قانونی لازم «ارتقاء آگاهی، دانش و مهارت همگانی، تقویت رسانه های ماهواره ای و اینترنتی همسو و مقابله با رسانه های معارض خارجی» دانسته شده است. در ماده (۴۴) قانون برنامه چهارم توسعه نیز با وضوح بیشتری آمده است: «دولت موظف است به منظور استقرار جامعه اطلاعاتی و تضمین دسترسی گسترده امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز اقدام های ذیل را به عمل آورد: الف - حمایت از سرمایه گذاری در تولید و عرضه انواع محتوی و اطلاعات به زبان فارسی در محیط رایانه ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی. ب - اتخاذ تدابیر لازم به منظور کسب سهم مناسب از بازار اطلاعات و ارتباطات بین المللی استفاده از فرصت منطقه ای ارتباطی ایران از طریق توسعه مراکز اطلاعاتی اینترنتی ملی و توسعه زیرساخت های ارتباطی با تکیه بر منابع و توان بخش های خصوصی و تعاونی و جلب مشارکت بین المللی. ج - تهیه و تصویب سند راهبردی برقراری امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات کشور در محیط های رایانه ای حداکثر تا پایان سال اول برنامه چهارم.» تحقق اهداف و الزامات مذکور در این ماده به ویژه تضمین دسترسی گسترده، امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز، حمایت از سرمایه گذاری در تولید و عرضه انواع محتوی و اطلاعات به زبان فارسی در محیط رایانه ای با تکیه بر توان بخش خصوصی و تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به منظور کسب سهم مناسب از بازار اطلاعات و ارتباطات بین المللی تنها پس از تحقق آزادی ارتباطات و در بستر آن ممکن خواهد بود. در بند (۱) قسمت «ج» ماده (۹۲) قانون برنامه ششم توسعه نیز از «تمهیدات قانونی لازم جهت امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر و مطبوعات و قلم، صدا و سیما و رسانه و استقرار نظام صنفی بخش فرهنگ» سخن به میان آمده است که از مؤلفه های ضروری به منظور تحقق آزادی ارتباطات می باشند.



۵. حق توسعه

۵-۱. مفهوم و قلمرو حق توسعه

مطابق بند نخست ماده (۱) اعلامیه حق توسعه مصوب ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد حق توسعه به معنای حق مشارکت و همکاری و بهره مندی هر یک از انسانها در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به گونه ای که تمامی حقوق بشر و آزادی های اساسی بتواند به خوبی محقق گردد، می باشد. در بند (۱۱) اعلامیه هزاره ملل متحد^۲ در ارتباط با حق توسعه آمده است: «ما متعهد هستیم که حق توسعه را به یک واقعیت برای هر کسی تبدیل نماییم و طوق نیاز را از گردن نوع انسان برداریم»^۳.

حق توسعه جز با تغییر در نظم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنونی و ایجاد تعادل بین کشورها در این زمینه حاصل نمی شود. این چنین عامل اصلی در تحقق این حق تعاون و همکاری بین المللی کشورها بر مبنای وابستگی متقابل آنها به یکدیگر در بوده و باید از اصل تعاون و همکاری بین المللی به عنوان مبنای اصلی حق توسعه یاد نمود (الیاسی، ۱۳۸۰: ۲۰۸). در بند سوم اعلامیه تأسیس نظم اقتصادی بین المللی جدید مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۷۴^۴ در این زمینه آمده است: «...همکاری بین المللی برای توسعه هدف و وظیفه مشترک تمامی کشورها است.».

۵-۲. تحلیل حق توسعه به عنوان یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز

توسعه فراگیر کشورها در مفهومی که در حق توسعه مورد نظر است یکی از اهداف رویکرد حقوقی متن باز می باشد (Van Overwalle, 2009:194). اتخاذ و اعمال این هدف در این رویکرد ناشی از ضعف و ناکارآمدی در روند اجرای نظام حقوق مالکیت فکری

^۱ - Declaration on The Right to Development, 1986

^۲ - United Nations Millennium Declaration , 2000

^۳ - اگرچه توسعه غالباً مفهومی اقتصادی است و در اینجا نیز از نقطه نظر تاریخی ریشه این حق به دهه ۶۰ میلادی و تلاشها برای اصلاحات ضروری در نظام اقتصادی بین المللی بر می گردد (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۶۶)، با این وجود مفهوم توسعه در حق توسعه مفهوم عامی است که تمامی ابعاد اصلی زندگی انسان، یعنی بعد سیاسی، بعد فرهنگی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی، را در بر می گیرد و این امر حق توسعه را با سایر حقوق بشری پیوند می دهد، به گونه ای که جز با تحقق سایر حقوق بشری حق توسعه محقق نمی گردد.

^۴ - Declaration on the Establishment of a New International Economic Order ,1974





در این زمینه است. آمار و وضعیت موجود در حوزه زیست فناوری بیانگر انحصار ناشی از اعمال نظام مذکور است، که خود مانع توسعه فراگیر کشورها در این زمینه می باشد. چنانکه موافقت نامه ترپس به عنوان موافقت نامه مرجع سازمان تجارت جهانی در زمینه حقوق مالکیت فکری رویکردی یک جانبه و به نفع مبتکرین و کشورهای توسعه یافته را اتخاذ نموده است و نه رویکردی متعادل که حقوق کشورهای در حال توسعه و مالکان منابع ژنتیک را نیز به موازات حقوق اشخاص و کشورهای مذکور تامین و تضمین نماید (اقبالی درخشان، ۱۳۹۰: ۵۷). این در حالی است که همواره نوآوریها با حق توسعه ارتباط داشته و یکی از عوامل اساسی در تحقق حق مذکور می باشند. هرگونه توسعه و ارتقاء در حوزه نوآوری در نهایت تحقق و تقویت حق توسعه را به همراه خواهد داشت. این ارتباط از دو جهت قابل بررسی است یکی از منظر ارتباط نوآوری با حق توسعه و دیگر ارتباط نوآوری با مفهوم توسعه اقتصادی.

از منظر ارتباط نوآوری با مفهوم حق توسعه باید گفت امروزه نوآوریها فراتر از حوزه اقتصادی و صنعتی بوده و مفهوم نوآوری در حوزه فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی نیز محقق می گردد. چنانکه به طور مثال نوآوریها در حوزه نرم افزارهای طبقه بندی و پایگاه داده آثار ادبی و هنری یا نرم افزارهای آموزشی با حوزه فرهنگی و اجتماعی ارتباط می یابد و یا نوآوری در تسلیحات نظامی در بسیاری از موارد بیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشد دارای جنبه سیاسی است. بنابراین، حوزه نوآوری با تمامی ابعاد دخیل در تحقق مفهوم حق توسعه، یعنی جنبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ارتباط دارد. در این وضعیت رویکرد متن باز در حوزه نوآوری با ایجاد زمینه تسهیل و تسریع تولید نوآوری اساساً تحقق حق توسعه را زمینه سازی می نماید.

راجع به ارتباط نوآوری با مفهوم توسعه اقتصادی نیز باید گفت در همان حوزه های اقتصادی و صنعتی، که نوآوری با توسعه در مفهوم خاص و اقتصادی آن ارتباط می یابد، نیز در نهایت توسعه برخلاف رشد که مفهومی کمی است مفهومی کیفی است (سن، ۱۳۸۶: ۱۵۹). از یک سو توسعه بر مبنای افزایش و بهبود کیفی نظام اقتصادی جامعه و افزایش سطح رفاه سنجدیده می شود و از سوی دیگر دارای ارتباط متقابل با عوامل فرهنگی، اجتماعی





و سیاسی است؛ بدین نحو که توسعه اقتصادی علاوه بر عوامل اقتصادی مبتنی بر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز می باشد و از سوی دیگر در نهایت تحقق توسعه اقتصادی تا حد زیادی در تأمین و تقویت توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز مؤثر است.

بر مبنای موارد مذکور در فوق و اینکه رویکرد متن باز، به شرحی که پیش از این گذشت، مبتنی بر سایر حقوق و آزادیهای اساسی بشر، که از مؤلفه های اساسی در تحقق حق توسعه می باشند، است باید حق مذکور را یکی از مبانی رویکرد حقوقی متن باز دانست. در این میان از یک سو با توجه به مفهوم و قلمرو عام حق توسعه از منظر شمول آن بر ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و سایر حقوق و آزادیهای اساسی بشر و از سوی دیگر بر مبنای نقش ویژه فعالیت های علمی و نوآورانه در تحقق مفهوم توسعه، حق مذکور مهمترین مبانی برای رویکرد حقوقی متن باز است.

۳-۵. حق توسعه در فقه امامیه و حقوق ایران

در منابع دینی ضرورت توسعه در مفهوم اقتصادی و همچنین توسعه در مفهوم عام خود آنگونه که در حق توسعه مورد نظر است مورد تأکید واقع گردیده است. در ذیل به تفکیک هر یک از موارد مذکور را مورد بحث قرار می دهیم و سپس به حق توسعه در حقوق ایران می پردازیم.

۳-۵-۱. مفهوم اقتصادی توسعه در اسلام

در ارتباط با مفهوم اقتصادی توسعه اسلام اشخاص را به توجه به امور مادی و کار و فعالیت اقتصادی، که شرط نخستین در تحقق توسعه اقتصادی است، در سطح فردی و اجتماعی تشویق می نماید؛ چنانکه در روایت آمده است: «کسی که برای خانواده خود تلاش می نماید همانند کسی است که در راه خدا جهاد می نماید» (شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۵)^۱. در سطح اجتماعی نیز از یک سو آیات مختلفی در قرآن در زمینه بهره برداری از طبیعت و بهره مندی از آن وجود دارد. چنانکه در آیه ۱۵ سوره ملک یکی از اوصاف خداوند را لطف وی به انسان در ایجاد قابلیت و مباح دانستن تصرف انسان بر روی زمین دانسته است (طباطبایی،



^۱ - پیامبر (ص) نیز می فرمایند: «به دنبال روزی حلال رفتن برای هر زن و مرد مسلمانی واجب است» (صدر، ۱۴۱۷:



۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۵۷ و طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۹۰^۱. از سوی دیگر برخی آیات قرآن بر سلطه انسان بر طبیعت دلالت می نماید. در آیه ۲۰ سوره لقمان در این زمینه آمده است: «آیا ندانسته اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته»^۲. این آیات صرفاً متضمن اختیار و سلطه انسان نبوده، بلکه تلاش به منظور سلطه بر طبیعت را به انسان امر نموده و حتی آن را واجب می سازد^۳.

۲-۳-۵. مفهوم عام توسعه

مفهوم عام توسعه آنگونه که در حق توسعه منظور نظر است نیز در فقه امامیه دارای جایگاه ویژه است. این امر به ویژه در ارتباط با دو قاعده فقهی حاکم بر مسلمانان مصداق می یابد: قاعده عدالت و قاعده نفی سبیل.

بر اساس قاعده فقهی عدالت می بایست زمینه رفاه عمومی و برخورداری همگان از مواهب توسعه، فارغ از هر نوع تبعیض فراهم گردد (فیروزی، ۱۳۹۶: ۵۸). از مقایسه مفهوم مذکور با مفهوم حق توسعه به خوبی بر می آید که عدالت رکن اصلی در تحقق حق توسعه می باشد؛ چرا که اساساً ریشه حق توسعه در حقوق بشر و حقوق بین الملل به نابرابری ها و بی عدالتی های موجود در نظام اقتصادی و سیاسی بین المللی و ضرورت اصلاح نظام مذکور از این منظر بر می گردد (عباسی، ۱۳۹۵: ۴۶۶). در واقع حق توسعه نیز همچون قاعده عدالت

^۱- در آیه مذکور آمده است: «اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست» همچنین در آیه ۱۶۸ سوره بقره آمده است: «ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست». برخی دیگر از آیات در این زمینه عبارتند از: آیه ۸۱ سوره طه و آیه ۱۱ سوره «ق» (سلمانپور، ۱۳۸۴: ۶۸).

^۲- در آیه ۶۵ سوره حج نیز آمده است: «آیا ندیده ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید». برخی از سایر آیات در این زمینه عبارتند از: جائیه ۱۳، ابراهیم ۳۲ و ۳۳ (سلمانپور، ۱۳۸۴: ۶۶).

^۳- صاحب کفایه در توجیه استنباط مذکور آورده است: «از آنجا که سلطه دادن انسان بر زمین و آسمان و... با جملات خبری آمده است، در حالی که هنوز انسان اندک سلطه ای هم بر طبیعت ندارد و در آغاز راه تسخیر زمین و آسمان و مواهب آنهاست، درمی یابیم که آیات مزبور در مقام بیان یک حکم تکلیفی و امر واجب مؤکد است.» (خراسانی، ۱۴۱۲: ۹۲ نقل شده از سلمانپور، ۱۳۸۴: ۶۷).





به منظور رفع تبعیض، نابرابری و بی عدالتی پدید آمده است و در نتیجه قاعده فقهی عدالت یکی از مهمترین مبانی فقهی حق توسعه محسوب می گردد.

قاعده فقهی نفی سبیل بر گرفته از آیه شریفه «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» و خداوند برای کافران نسبت به مسلمانان سلطه ای قرار نداده است» (سوره نساء، آیه ۱۴۱) می باشد. این قاعده ناظر بر روابط مسلمانان با سایر اقوام و کشورها به ویژه روابط سیاسی و اقتصادی می باشد (فیروزی، ۱۳۹۶: ۶۲). بر مبنای قاعده مذکور از تعامل مسلمانان با کافران به گونه ای که موجب تضعیف مسلمانان و متعاقب آن سلطه کافران بر مسلمانان گردد نهی گردیده است. این امر و تکلیف ناشی از آن خود همان تلاش همگانی برای تحقق حق توسعه را برای مسلمانان می رساند. زیرا، کشورهای اسلامی غالباً در نظام سیاسی و نظام اقتصاد بین المللی ضعیف محسوب و از بهره مندی از اجزا و مؤلفه های حق توسعه محرومند؛ لذا قاعده نفی سبیل و تکلیف شرعی ناشی از آن، مادامی که بی عدالتی و تبعیض بین کشورهای مسلمان و کشورهای توسعه یافته از بین نرفته است، یکی از مهمترین مبانی شرعی تلاش برای دستیابی به حق توسعه می باشد.

بر مبنای موارد مذکور در فوق، احکام و قواعد اسلامی از یک سو با تأکید بر لزوم توجه به امور دنیوی و امرار معاش و بهره مندی از طبیعت و حتی تسخیر آن و همچنین تأکید بر لزوم ارتقاء سطح رفاه فردی و اجتماعی در میان مسلمانان به خوبی زمینه حرکت جامعه اسلامی برای دستیابی به حق توسعه و مبارزه با بی عدالتی و تبعیض ها را زمینه سازی می نماید. از سوی دیگر، قاعده عدالت به طور کلی و قاعده نفی سبیل به طور خاص، در نحوه تعامل مسلمانان با غیر مسلمانان، و با توجه به شرایط کنونی جوامع اسلامی در عمل عیناً همان مفاد حق توسعه، یعنی تلاش برای رفع تبعیض و بی عدالتی و مشارکت و بهره مندی همگانی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، را در بر داشته و تأکید و تقویت می نماید.

۳-۳-۵. حق توسعه در حقوق ایران

در قانون اساسی واژه توسعه صرفاً در مفهوم توسعه اقتصادی و در مقام بیان ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته است؛ بند (۷) اصل (۴۳) قانون اساسی یکی از ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را « استفاده از علوم و فنون





و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور» می داند. البته به شرحی که گذشت مفهوم «توسعه» در حق توسعه شامل حقوق و آزادی های اساسی از جمله آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات، آزادی (حق) ارتباطات نیز می گردد و قانون اساسی با پذیرش و تأیید این حقوق به نوعی توسعه در مفهوم عام و حق دستیابی به آن (حق توسعه) را نیز مورد پذیرش قرار داده است. همچنین قاعده عدالت و قاعده نفی سبیل به عنوان مبانی شرعی حق توسعه در قانون اساسی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است که این توجه و تأکید به خوبی زمینه و مقدمات ضروری را برای تحقق حق توسعه تأمین می نماید. چنانکه در اصل نخست قانون اساسی دلیل رأی مردم ایران به حکومت جمهوری اسلامی را « بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن» ذکر می نماید. در اصل دوم قانون اساسی نیز آمده است: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به: ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح..... ۶-..... نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی.....». همچنین اصل یکصد و پنجاه و چهارم نیز مقرر می دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد.....».

در ارتباط با قاعده نفی سبیل نیز در بند (۶) اصل (۲) قانون اساسی، به شرحی که گذشت؛ یکی از مواردی که نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به آنها شکل گرفته است را «نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری» می داند. بند (۸) اصل (۴۳) قانون اساسی نیز یکی از ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر کشور» ذکر نموده است. اصل (۱۵۲) قانون اساسی در حوزه سیاست خارجی نفی «هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری» را یکی از بنیان های سیاست خارجی دانسته است؛ در نهایت اینکه اصل (۱۵۳) قانون اساسی با صراحت بیشتری از منظر لزوم نفی سبیل در نظام جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.».





در نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نقش حیاتی توسعه در تأمین رفاه و خواسته‌های فردی و اجتماعی، مقررات اختصاصی در قالب برنامه توسعه تدوین و تصویب گردیده است. ویژگی مطلوب این قوانین آن است که توسعه در آنها صرفاً در مفهوم اقتصادی مورد نظر نبوده و از یک سو توسعه اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر در خصوص توسعه سیاسی، علی‌رغم عدم اشاره به آن در عنوان این قوانین، با توجه به احکام مذکور در این قوانین آن را نیز در بر می‌گیرد.^۱ بر این اساس این مقررات را باید از مقررات زمینه ساز تحقق و تحول حق توسعه در حقوق ایران دانست.

نتیجه گیری

آزادی اندیشه و آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات، آزادی ارتباطات (حق ارتباطات) و حق توسعه مبانی حقوق بشری رویکرد حقوقی متن باز هستند که بر مبنای بررسی صورت گرفته در اسناد بین المللی متعدد حقوق بشر، یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، اعلامیه جهانی حق توسعه، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اعلامیه راجع به علم و استفاده از دانش علمی، اعلامیه میلان راجع به ارتباطات و حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه های متعدد مجمع عمومی سازمان ملل، به عنوان مبانی عام و فراگیر در سطح بین المللی برای اتخاذ و اعمال رویکرد مذکور، که راهکاری جهت رفع موانع انتقال فنآوری و ایجاد توسعه فراگیر می باشد، محسوب می گردند.

^۱ - این مقررات بر مبنای پویایی و تحول مفهوم و معیارهای کمی و کیفی توسعه و در نتیجه ضرورت موقتی بودن و به روز نمودن مقررات این حوزه تا به امروز شش بار قوانینی با عنوان «قانون برنامه توسعه» تصویب گردیده اند. عنوان و تاریخ تصویب قوانین مذکور به ترتیب به شرح ذیل است: - قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱. - قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰. - قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷. - قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱. - قانون برنامه پنجاه و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) ۱۳۸۹/۱۰/۱۵. - قانون برنامه پنجاه و هشتم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴





امر به تفکر و جایگاه ویژه خردمندان و اهل تفکر و برتری دادن تفکر بر سایر امور حتی عبادت در آیات و روایات آزادی اندیشه را از منظر فقه امامیه اثبات می نماید. امر به مجادله به روش نیکو با اهل کتاب و مخالفان و اتخاذ روش بحث عقلی در قبال آنها بر مبنای اتکا بر دلیل، آزادی بیان را در فقه شیعی به اثبات می رساند. تأکید بر علم آموزی و در مقابل آن تعلیم و نشر علم بر آزادی اطلاعات در اندیشه اسلامی دلالت می نماید. تأکید بر سایر حقوق و آزادیها که آزادی ارتباطات بستر تحقق آنها را فراهم می آورد، و همچنین اصل آزادی و اصل عدالت در نظام هنجاری اطلاع رسانی فقه امامیه بر ضرورت آزادی ارتباطات تأکید می نماید. در نهایت تشویق به امور دنیوی و امر به معاش و تسخیر زمین در ارتباط با مفهوم توسعه اقتصادی و قاعده عدالت و قاعده نفی سبیل در ارتباط با توسعه در مفهوم عام خود بر پذیرش و تأکید بر حق توسعه از منظر شرعی دلالت دارد.

حقوق و آزادیهای فوق الذکر در حقوق موضوعه ایران بر مبنای اصول مختلف قانون اساسی و قوانین عادی، یعنی قوانین برنامه توسعه اول تا ششم، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ۱۳۸۸، قانون خط مشی کلی اصول و برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱، قانون مطبوعات ۱۳۶۴ مورد پذیرش و عمل قرار گرفته است. بر مبنای مجموع تحلیل و ارزیابی های به عمل آمده در مقاله حاضر نتایج ذیل برای نظام حقوقی کشورمان قابل استنباط است:

۱. در سطح بین المللی در شرایط کنونی اتخاذ و اعمال رویکرد حقوقی متن باز، در راستای تکمیل نقائص موجود در اجرای حقوق مالکیت فکری و برای رفع دشواریها در این زمینه، که در نهایت اصلاح و تکمیل نظام مذکور را در عمل به همراه خواهد داشت، با استناد به مبانی حقوق بشری و فراگیر اثبات شده برای آن، ممکن بوده و به منظور تحقق اهداف سیاسی و اقتصادی بین المللی نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر رفع سلطه و ایجاد توازن در قوای سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای محروم کننده و تبعیض گرا (در اجرای قاعده فقهی نفی سبیل و قاعده فقهی عدالت) شدیداً توصیه می گردد؛ زیرا مبانی مذکور پذیرش و اعمال این رویکرد را در مناسبات نظم اقتصاد سیاسی بین المللی، به عنوان ابزاری برای





تسهیل و رفع موانع انتقال فنآوری و رفع تبعیض سیاسی و اقتصادی بین کشورها و در نهایت تحقق حق توسعه، تأکید و تقویت می نماید.

۲. با توجه به مبانی فقهی و تقنینی موجود برای رویکرد حقوقی متن باز از منظر آزادی اندیشه و آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی ارتباطات، حق توسعه و قاعده عدالت در سطح داخلی اعمال رویکرد حقوقی متن باز در حد مطلوب توصیه می گردد. منظور از حد مطلوب شرایطی است که در آن حقوق مالکیت فکری اشخاص تا آنجا لحاظ و رعایت گردد که مبانی فقهی و تقنینی فوق را نقض ننماید، نه آنکه حقوق مالکیت فکری اشخاص به کلی نادیده انگاشته شود. براین اساس همواره باید به حق تمامیت اثر که رعایت و اعمال آن با هیچ یک از مبانی فوق منافاتی ندارد احترام گذاشت؛ اما در مقابل ممانعت مطلق از دسترسی اشخاص به اطلاعات نوآورانه با استناد به حقوق انحصاری مبتکر ممکن نیست و اصولاً می بایست بستری برای تبادل اطلاعات نوآورانه و قابلیت دسترسی اشخاص به اطلاعات مذکور فراهم گردد.

منابع

۱. اسماعیلی، محسن و جلالی، عبدالله، بهار ۱۳۹۱ش، نظام هنجاری اطلاع رسانی در فقه شیعه، مجله رسانه، سال بیست و دوم، ش ۱.
۲. الیاسی، مرتضی، ۱۳۸۰ش، مبانی و اهداف حق توسعه، مجله بصیرت دانشگاه آزاد، سال نهم، ش ۲۵ و ۲۶.
۳. انصاری، باقر، ۱۳۸۷ش، سازو کار های حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهشی)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چ ۱.
۴. انصاری، باقر ۱۳۸۶ش، مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات، مجله نامه مفید، ش ۶۱.
۵. حبیبی، سعید و معلی، مهدی، ۱۳۹۴ش، حمایت حقوقی از نوآوریهای زیست فنآوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چ ۱.





۶. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، ۱۴۲۵ ق، کنز العرفان فی فقه القرآن، قم، انتشارات مرتضوی، چ ۱، ج ۲.
۷. زرکلام، ستار و نظام الملکی، جعفر و طلوع، محسن، زمستان ۱۳۹۵ش، تحلیل و ارزیابی حمایت از نرم افزار در نظام حقوق مالکیت فکری و نظام متن باز، دو فصلنامه علمی پژوهشی حقوق تطبیقی، ش ۱۰۶.
۸. سلمان پور، محمد جواد، شهریور ۱۳۸۴ش؛ آموزه های اسلام در جهت توسعه اقتصادی، مجله رواق اندیشه، ش ۴۵.
۹. سلیمان دهکردی، الهام و افراسیابی، علی، بهار ۱۳۹۴ش؛ حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین المللی و ملی، مجله مطالعات بین المللی پلیس، ش ۲۱.
۱۰. سن، آمارتیا، زمستان ۱۳۸۶، مفهوم توسعه، ترجمه سرکسیان، شاکه و گودرزی، علی، مجله راهبرد یاس، ش ۱۲.
۱۱. صدر، شهید، سید محمد باقر، ۱۴۱۷ ق، اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلی للمطبوعات، چ ۲، ج ۱۷.
۱۳. طباطبایی محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی، محمد باقر، ۱۳۷۴ش، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ج ۱۶، ۱۲ و ۱۹.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چ ۳، ج ۱۰.
۱۵. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چ ۱، ج ۲۷.
۱۶. عباسی، بیژن، ۱۳۹۵ش، حقوق بشر و آزادی های بنیادی، تهران، نشر دادگستر، چ ۲.
۱۷. عمید زنجانی، عباس علی، ۱۴۲۱ ق، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ ۴، ج ۱.



- 31-De Filippi, Primavera(2015), "Handbook of Digital Currency Translating Commons-Based Peer Production Values into Metrics: Toward Commons-Based Crypto-currencies", Academic Press.
- 32- Drzewicki, Krzysztof, (1984) "The Rights of Solidarity - The Third Revolution of Human Rights" , Nordisk Tidsskrift for international ret.
- 33- El-Kassas, Sherif(2005), " On the Merits of the Open Source Model " ,Department of Computer Science,The American University in Cairo,10 pages. Available at:
http://www.wipo.int/edocs/mdocs/mdocs/en/isipd_05/isipd_05_www_1_03981.pdf
- 34-Janet Hope, Elizabeth(2004), Open Source Biotechnology, A thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at The Australian National University, 254 pages.
- 35-Mandrusiak, Lisa(2010-2011), Maine Law Review, Balancing Open Source Paradigms and Traditional Intellectual Property Models to Optimize Innovation, [Vol. 63:1, pp.303-330.
- 36-Van Overwalle, Geertrui(2009), Gene Patents and Collaborative Licensing Models, New York, Cambridge University Press.

